



فاطمه عودباشی
رسانه

یکی از شغل‌های متنوع، اما درع
یک‌بار باید لباس یک شخصی
شخصیت را خلق کنند تا از این
کافی است بازیگر در بخشی از کار
درمی‌آورد یا اغراق شده. بنابراین
هم طبق سنن گذشته، بازیگـرا
خلق کرده‌اند، نقش هایی که ه
مخاطبـــان خـــالی از لطف نیس
آنتن شبکه‌های یک، دو و سه رفته، علاوه بر سوژه،
ظاهر شده است. یکی از خانواده قجر است، دیگری
دانشگاه، یکی ورشکسته است و دیگری به دنبال
یکی بزن و بهادر است و دیگری مال مردم‌خوارو ...
برادرجان نگاهی به شخصیت‌های سریال‌های رمض

سریال برادرجان

همسر چاوش است و بچه‌دار نشده‌اند، اما از خیر بچه گذشته و زندگی کنار چاووش را رها نمی‌کند، بعد از اینکه متوجه می‌شود چاوش سهم کریم بوستان را نداده، بین او و چاوش هم شکرآب می‌شود.

مارال فرجاد
مهتاب





حسام منظور
چاوش

برادر آراز و عاطفه، شوهر مهتاب، پسر بدری و طلعت. او بعد از فوت پدر صاحب اموال بسیاری شده است. پشت او حرف‌های زیادی در بازار به راه است، چون بعد از فوت پدرش، سهم کریم بوستان را بالا کشیده است.

بدری، پدر چاوش، عاطفه و آراز و پدرخوانده حنیف، همسـر طلعت و شریـک کـریم بوستان. بدری را در قصه نمی‌بینیم. بدری چند سال پیش از دنیا رفته و در کابوس‌های آراز مهتاب و ... او را می‌بینیم.

آرش تاج
حاج بدری



برادر لیلا، برادرخوانده چـاوش، آراز و عاطفه بزن، بهادر و همه‌کاره چاوش در بازار میوه. عاشقانه خواهر و برادرهایش را دوست دارد، حتی حاضر است به خاطر آنها سرش را به باد بدهد. به همین دلیل سرپرشرو شوری دارد.

کامران تفتی
حنیف



زن خودساخته‌ای است و برای اینکه بتواند خرج خودش را در بیاورد، راننده تاکسی شده است. او زن عقدی حنیف است اما حنیف جرات نکرده حرفی به چاوش بزند به همین دلیل زندگی پنهانی با حنیف دارد. چاوش بعد از فهمیدن این موضوع از حنیف خواسته طلاقش بدهد.

شیوا ابراهیمی
منیژه



نسیم ادبی
عاطفه



دختر خانواده که برادرانش با یك نگاه از او حساب می‌برند. او شیرینی خورده رسول است، اما به خاطر اینکه آراز سر و سامان نگرفته و ازدواج نکرده، قصد دارد بعد از ازدواج برادرش زیر یك سقف برود.

سجاد افشاریان
آراز



برادر چـاوش و عاطفه. او برادر کوچك‌تر هست، برای همین سرش همیشه پایین است و چشم می‌گوید. او عاشق لیلا است، اما به خاطر بگو مگوهای خانوادگی به عشقش نرسیده است و درگیری‌های زیادی هم با ستار دارد.

ندا جبرائیلی
لیلا



دخترخوانده کریم بوستان و خواهر حنیف. کریم بوستان بعد از فوت پدر و مادرش او را بزرگ کرده است. عاشق آراز است و آراز هم عاشق او. اما عشق آنها به خاطر بگو و مگوهای خانواده به سرانجام نرسیده است.

آرش فلاحت پیشه
رسول



نامزد و شیرینی خورده عاطفه است. رسول در گذشته وکیل بوده اما بعد از شکست خوردن به خاطر یك پرونده کاری به سمت اعتیاد می‌رود، تا این‌که به خودش می‌آید، اما بعد از آن سر به کوه و بیابان می‌گذرد.

سعید چنگیزیان
ستار



پسر کریم بوستان است. هیچ رقم نمی‌خواهد زیر بار زور برود. به همین دلیل مرتب با چاوش و حنیف سر این‌که چاوش مال پدر او را بعد از فوت بدری نداده، جنگ و جدال دارد و کتك‌کاری می‌کند.

آفرین عبیسی
الفت



علی نصیریان
کریم بوستان



پدر ستار و پدرخوانده لیلا. شریك بدری و توکل، شوهر الفت و باجناق بدری. با این‌که چاوش سهم او را بالا کشیده و بسیار هم از این ماجرا دلخور است، اما باز هم خدا را شاکر است.

زن کریم بوستان و مادر ستار است. با این‌که خاله چاوش، آراز و عاطفه است، اما بعد از این که چاوش حاضر نشده سهم همسرش را بعد از مرگ بدری بدهد با خواهرزاده‌هایش چپ افتاده است.

لعیا زنگنه
حلیمه



زن دایی توکل است. او سال‌ها پیش، بچه‌اش را بغل کرده و همراه خانواده‌اش بی‌خبر از همسرش به کویت رفته، حال بعد از چند سال برگشته و خبر مرگ مرتضی، فرزند خودش و توکل را آورده است.

حسن پورشیرازی
دایی توکل



شریك بدری و کریم بوستان، برادر الفت و طلعت و دایی چاوش، آراز، عاطفه، ستار، دایی ناتنی لیلا و حنیف و همسر حلیمه. دایی توکل در گذشته نسبت به حلیمه بی‌توجهی می‌کرد و حلیمه او را ترک کرده است.

سریال ازیادها رفته

بیتا فرهی
شکوه سلطنه



او مادر مهراد و فروغ‌الزمان است. یك زن دیکتاتور که علاقه بسیار زیادی به قدرت دارد و بقیه هم در مقابل او فقط چشم بگویند. او از مهربانو سوءاستفاده می‌کند تا مطالبی به نفع خانواده‌اش در روزنامه بنویسد.

میترا حجار
فروغ‌الزمان



خواهر مهراد و دختر شکوه السلطنه. او دوست مهـربانو است و همراه دوستش در فرنگ درس خوانده‌اند. اما فروغ‌الزمان خیلی جراح متبحری نیست و بیماران زیر دست او می‌میرند.

رضا یزدانی
مهراد



مهراد مستوفی، برادر فروغ‌الزمان و پسر شکـوه السلطنه است. او بوکسـور است و اهـل خشونت. عاشق مهربانو است، اما مهربانو به او علاقه‌ای ندارد و همین خشم او را نسبت به خسرو زیاد کرده است.

رسول نجفیان
پرویز



پدر مهربانو است و شغلش خیاطی است. با این‌که می‌داند دخترش در فرنگ درس خوانده و مستقل است، اما نگران آینده‌اش است که با چه کسی ازدواج کند. او بعد از فوت همسرش با فریده ازدواج کرده است.

سیما تیرانداز
فریده



همسر پرویز و نامادری مهربانو. او نماد یك زن عامی و سرخوش است که در سال‌های دور آژان‌ها حجاب را از روی سر زن‌ها برمی‌داشتند، اما او حجاب داشت. او علاقه‌مند است مهربانو با مهراد ازدواج کند.

مهدی سلوکی
بهروز



برادر فریده و دایی ناتنی مهربانو است. او نوچه مهراد است و هرآنچه از او می‌خواهد، اجرا می‌کند. به همین دلیل او هم مصر است مهربانو با مهراد ازدواج کند. البته او هم مثل خواهرش فریده سرخوش است.

عاشق
رابطه مرموز
خواهرو
عشق پوشالی
نوچه
خانواده

طراحی داده‌نما: سپهر سهامی‌فرد/جام جم